

حکایت عطسه

یکی معلوم نیست به چه دلیلی- موجه یا ناموجه و ضروری یا غیرضروری- چیزی می خرد، مثلاً یک تلفن همراه، یا تبلت یا لپتاپ، و یا یک بازی را نصب می کند، مثل پو و یا... و بعد می بینی این کار مثل خوره می افتد به جان همه بچه های این سرزمین. راستی داشتن این وسائل چه قدر برای تو ضروری بوده است؟

غذا دادن به پو و پاک کردن زیر او، چه مشکلی از زندگی تو را حل کرده است؟!

ای کاش بچه ها این قدر پشتسر کسانی که می خواهند بچه های ما را سر به هوا کنند، نایستند؛ این دست را بین خانواده های ایرانی شاهد هستیم!

محمدعلی قربانی

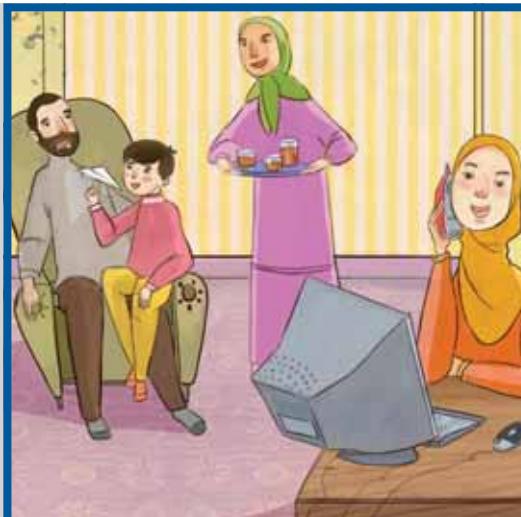
آسمان خیره شد و لب هایش را تکان داد. چند لحظه بعد، عده ای از عابران پشت سر او ایستادند و آن ها هم به آسمان خیره شدند. تعداد آدم ها رفته رفت زیاد شد و کلماتی مثل بشقاب پرنده و ستاره دنباله دار بین مردم رد و بد شد. بالاخره نفر اولی که به آسمان خیره شده بود، عطسه ای کرد و به راه خود ادامه داد. تازه مردم متوجه شدند که بیهوده به آسمان نگاه کرده اند و واقعاً چیزی در آسمان نبوده است.

این حکایت تا چه اندازه درست است یا غلط، نمی دانم! اما متأسفانه این روزها نمونه های زیادی از این دست را بین خانواده های ایرانی شاهد هستیم!

۱۶

اسباب تنهایی

نگار و نفیسه دوستان
صمیمی و هم کلاسی اند که
دوستی شان از زمانی آغاز
شد که وارد دبیرستان شدند.
آن ها در یک گروه قرار دارند و
ممولاً در فعالیت های درسی
به هم کمک می کنند...



روش اسماارت
در شماره قبیل به بررسی اهمیت پژوهش پرداختیم و
دانستیم که «ایده» رکن اصلی هر پژوهش است.

- | | |
|----|-------------------|
| ۴۲ | اینجام درس ه نیست |
| ۴۴ | مردی از جنس بلور |
| ۴۶ | خوراک مغز |
| ۴۸ | پیشخوان |

۴۰

۲	پنجره ای رو به حیات
۴	همراه هفت خط
۶	او ما پنیر
۸	همراه چهل تکه
۱۰	تک خور
۱۲	برق بر مدار ماه
۱۴	تقویم ماه
۱۸	وندال ها!
۲۰	کارگاه نادر
۲۲	Cooking Techniques
۲۴	رسیده ها و Call ها
۲۶	از کجا آمده ایم
۲۸	الان چی مده!
۳۰	پادماده
۳۲	ورزش روی پرده
۳۴	خنده زار
۳۷	کارگاه داستان نویسی